

موضوع: ارتقاء روش ارزیابی مسیر و بهبود عملکرد مسیریابی

مطالعه موردی: بازار وکیل شیراز

چکیده:

مشکلات مسیریابی در فضا سبب شده که تا به امروز به منظور بهبود عملکرد مسیریابی، فضا از جنبه های مختلفی مورد ارزیابی قرار گیرد. برخی از این روش ها عینی است که به بررسی کالبد محیط می پردازند و گروهی از این شیوه های ارزیابی ذهنی است که بررسی ذهنیت شخص یعنی میزان شناخت و احساس او در مسیریابی را مورد توجه قرار داده اند. اما به دلیل شیوه های ارزیابی متفاوت توجه کمی به بررسی "احساسی" در کنار بررسی "کالبدی" و "شناختی" صورت گرفته است. این امر زمانی که بحث مسیریابی در محیط خرید به میان می آید بیش از پیش خود را نشان می دهد.

فرضیات پژوهش بر پایه مدل خوانایی ارائه شده در مراکز خرید به چگونگی ارتباط متقابل میان این سه دسته (متغیرهای کالبدی، شناختی و احساسی) اختصاص دارد. این تحقیق با استفاده از روش تحقیق همبستگی به سنجش روابط میان متغیرها می پردازد. در این خصوص نمونه موردی بازار سنتی شیراز توسط پرسشنامه و نیز مقادیر نرم افزار "دپت مپ" (Depthmap) - که بر پایه تئوری "نحو فضا" (Space Syntax) ایجاد شده- مورد سنجش قرار گرفته است. این تحقیق شامل چند مرحله است. پس از بیان ادبیات موضوع در مرحله اول به بررسی ویژگی های فیزیکی هر خط محوری (راه مستقیم) از طریق مقادیر نرم افزار "دپت مپ" پرداخته شده است. پس از آن در مرحله دوم بررسی میزان شناخت گروهی از دانشجویان (به عنوان بخشی از مراجعین به بازار) از این "راه" ها صورت گرفته است و در ادامه به منظور اثبات فرضیه پژوهش همبستگی میان متغیرهای کالبدی و شناختی مورد بررسی و ارتباط میان این متغیرها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در مرحله سوم میزان احساس شرکت کنندگان در هر مسیر سنجیده شده و به منظور اثبات بخش دیگری از فرضیات پژوهش روابط همبسته آن با دو دسته متغیر کالبدی و شناختی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بر اساس این مراحل فرضیات تحقیق مورد ارزیابی قرار گرفته است و ضمن بررسی هر فرضیه چارچوبی جهت ارائه راهکارهای کالبدی در حوزه مورد نظر فرضیه ارائه شده است. در نهایت اولویت هایی جهت بهبود مقادیر شناختی و بهسازی شرایط احساسی بیان شده است.

بنابراین پس از "ارزیابی شناختی مسیر و بیان اولویت ها و چارچوب ارائه راهکارهای بهبود شناخت" و "ارزیابی احساسی مسیر و بیان اولویت ها و چارچوب ارائه راهکارهای بهسازی شرایط احساسی"، در نهایت اولویت نهایی مسیرها به منظور بهبود عملکرد مسیریابی تعیین می شود.

در پایان باید عنوان شود که آنچه که نتایج این رساله را از دیگر مطالعات مشابه متمایز می کند علاوه بر سنجش همزمان مسیر از سه جنبه کالبدی و شناختی و احساسی، تجمیع نتایج آنها و تبیین روشی جهت تفکیک حوزه های تأثیرگذار و تعیین "چارچوب ارائه راهکارهای کالبدی بهبود عملکرد مسیریابی از منظر شناختی و احساسی" و "اولویت های اجرایی آنها" است. بدین معنی که پس از انجام این روش ارزیابی بر روی یک مجموعه مسیر چند عملکردی، مشخص می شود که هر خط محوری جهت بهبود مسیریابی با چه مشکلاتی در حوزه های کالبدی، شناختی و رفتاری مواجه است و از چند منظر نیازمند توجه است. به عنوان مثال مشخص می شود "خط محوری مورد نظر":

- 1- نسبت به دیگر خطوط مسیر از نظر ویژگی های راه دچار مشکل است؛
- 2- یا نسبت به دیگر خطوط مسیر از نظر تعداد و یا خصوصیات نشانه ای بناهای آن با مشکلاتی روبرو است؛
- 3- یا از نظر بیان هویت مکانی خود مشکلاتی دارد؛
- 4- و یا از نظر احساسی در جایگاهی متناسب با عملکرد خود قرار ندارد که در این صورت تعیین کاهش/افزایش میزان انگیزتگی/خوشآیندی صورت می گیرد.

